

تسلی راستین



«8 به فرشته کلیسای اسمیرنا بنویس: «این است سخنان آن اول و آخر، آن کس که مُرد و زنده شد 9: من از عذاب و فقر تو آگاه هستم ولی با وجود این، توانگر هستی! می‌دانم آن کسانی که ادعا می‌کنند یهودی هستند ولی نیستند، چطور به تو افترا می‌زنند. آنان جماعت شیطانند 10! از رنجی که به شما روی می‌آورد، نترسید. البته ابلیس بعضی از شما را به زندان خواهد افکند تا شما را بیازماید و به مدت ده روز رنج خواهید کشید ولی تا دم مرگ وفادار بمانید و من به شما تاج حیات را خواهم بخشید 11 .

و مرگ وفادار بمانید و من به شما تاج حیات را خواهم بخشید. در موقع جنگ افرادی این جمله استفاده کنند تا کودکان بدون ترس مبارزه بکنند. آنها زندگیشان قربانی کردن تا آنها یک تاج حیات به دست آورده‌اند. بسیار دیکتاتورها این جمله استفاده کردند اما آنها هیچ علاقه به خدا داشتند. آنها تنها می‌خواستند انسانها را بد رفتار کنند. برخی از مسیحیان تا امروز هم باور می‌کنند که مسیحیان هر وقت باید درد و رنجید دادند. چند از مسیحیان باور می‌کنند که کل زندگیشان فغت یک هدف دارد: می‌توانند رنجهای تجربه کنند. در این راه آنها همیشه غمگین هستند. گاهی اوقات من حدس زدم که آنها دوست دارند رنجهای را تجربه کنند. به این دلیل آنها این تاج حیات از خدا دوست ندارند زیرا این تاج حیات چیز خیلی خوشحال شده است. اگر آنها به بهشت می‌آیند در آنجا هدیه زندگی از عیسی هم منفی بگیرند چون این هدیه چیز خوب و خوشحال است! من ایمن ندارم که کتب مقدس ما را درس میدهد که زندگیمان هر وقت بد است! حتی کتاب مقدس نمی‌خواست که انسانها یکدیگر با پیام خدا سو استفاده کنند! ما بایستی مکاشفه یوحنا خیلی خوب تحصیل کنیم سپس ما خواهیم دید که او ما را با استفاده این جمله "تاج حیات" به ما توضیح می‌دهد. هدف او نیست که ما هر وقت غمگین هستیم اما او میخواست ما را در درد و رنج تسلی داد. تسلی از مکاشفه یوحنا بزرگ است که ما مسیحیان هم در این رنج و درد خوشحال هستیم. تسلی از یوحنا دروغ نیست چون

عیسی اولیه

چون او تو را می‌شناسد.

چون تاج حیات راستین است.

در آن زمان که یوحنا نامه مکاشفه را نوشت، دمیزیان سلطان بود. او در آن موقع مجسمه بزرگ از خودش ساخت. هر کس که به شهر آمد مجبور شود که این مجسمه پرستش کند. هر کس که این کار انجام نداد، به عنوان دشمنان عمومی و جاسوسها به نظر گرفته شده است.

مسیحیان هیچ وقت به پدشاه پرستش کنند، به این دلیل آنها را شکنجه ساخت تجربه کردند. شهر سمیرن خیلی ثروتماند بود اما مسیحیان در آنجا خیلی فقیر بودند. دلیل این تنگدستی تنها ایمان به عیسی بود. بسیار از آنها به حیوانات انداخته شده‌اند. چون آنها از ایمان عیسی ترک نکردند.

در آن شرایط یوحنا عبرت آسان را نداد. خیلی آسان بوده است اگر یوحنا به مسیحیان گفت: در مکانی عمومی شما میتوانید به پادشاه پرستش کنید، اما در زندگی شخصی وقت به خدا پرستش کنید! این عبرت آسان است. اما یوحنا هیچ وقت اینجوری گفت. این اختیار بین مسیحیان وجود نداشت. چون مسیحایی هیچ وقت دروغ بگویند. چیز جلب این است. در حکم دادگاه پناهجویان اروپا گفت که دین مسیحیان در ایران و افغانستان خطرناک نیست زیرا ممکن است که ایمان را در قلب شما مخفی کنید! چرا این اختیار ممکن نیست؟ چرا هیچ وقت بین مسیحایی در مورد این اختیار صحبت نکنند؟ چرا هم امروز مسیحی از زندگیش به مرگ ترجیح میدهند اگر آنها نمیتوند ایمن شان عمومی بشارت ندهند. یک دلیل اضافه وجود دارد. عیسی خصوصی در کلیسا وجود دارد. با استفاده از کلیسا عیسی هم به دنیا صحبت می‌کند. ما مسیحیان نمیتوند بدون کلیسا زندگی بکنند. این هم باعث است که مسیحیان نمیتوند مراسم ابدیت تنها با تلویزیون تجربه کنند و تنها دعا درون خانه تجربه نکنند. مسیحیان در جا عسی است جمع شدند. این جا کلیسا است. در کلیسا ما مسیحیان ایمان ما اعتراف میکنیم. در کلیسا ما مسیحیان هم جسم و خون عیسی در یافت می‌کنیم. اینجوری ما مسیحیان عضو در بدن عیسی شده ایم. .. از اینجا ما هم محبت عیسی به دنیا می‌درخشیم. به این ترتیب ممکن نیست که کسی از کلیسا جدا کند و تنها مسیحی خاهد شده بود. اما یک چیز مهم است. در این دنیا کلیسا همیشه منتظر شده است. در

موقع یوحنا و در ایران و در المان اینجوری اتفاق افتاد. شکنجه مسیحیان هر وقت حاضر بود. ریشه این شکنجه از انسان نیست اما از شیطان. اما این تجربه بد نیست. نا بر عکس! خوب است. چون این مدرک است که عیسی واقع در میان ماست. شیطان می داند که زمانش کوتاه است. او هم میداند که عیسی کل زمان در دست دارد. به این دلیل او در این زمان کوتاه شکنجه بزرگ به کلیسا می سازد. نامه یوحنا خیلی مهم است. چون این نامه به ما یاد اور که عیسی در کلیسا است. او هم به ما یاد اور که عیسی بدون اخر است. در میان شکنجه این تسلی بزرگ برای ما است. اما بسیار از مسیحیان هر پیام عیسی از دست بگیرند. آنها به لذت شیطان از عیسی ترجیح می دهد. مقداری از مسیحیان امروز هم زندگیش برای ایمان عیسی غربانی کرد. دیگران تنها از آب و هوای بد ایمانش از دست گرفته شد. پیام یوحنا به ما یاد اور که عیسی بیشتر از داستان گذشته است بلکه او از اول تا الان تا ابد همان شخص است

اگر عیسی واقع توی زندگی شما وجود دارد, واقع هر مشکل از زندگی شما بفهمد. کس که میخواهد یک نفر تسلی بداد, از اول بایستی غمگین افراد که میخواهد تسلی میداد, بفهمد. کسی که سالم است, نمی تواند به یک بیمار ان بگوید که مریز بد نیست. عیسی کسی است که همه بیماری و نیازمندی ما میفهمد. او همیشه میفهمد. پیش او ما مثل یک کتب باز شده است. او هم کمبودها شخصی شما را می شناسد. به مسیحیان در کلیسا اسمیرنا عیسی گفت: من فقر شما را میشناسم! ما همیشه باری مشکل ما یک محلول را جستجو می کنیم. عیسی یک محلول نمی داد اما فقط به ما وعده می دهد: من با شماست. این وعده کافی است! چون در عیسی ما فقر نیستیم اما ثروتمند هستیم. تسلی عیسی بدن عیسی است. ببینید! عیسی مرده بود اما الان زنده شد! او مرگ را برطرف کردن! به این دلیل عیسی هم مرگ شما بر طرف خواهد کرد! در این زمان رنج و درد دنیا کوتاه است. در این زمان ما قدرت شیطان میبینیم. اما در یک لحظه این دنیا تبدیل خواهد آمد. اما عیسی هم خواهد ماند. تسلی عیسی سبک نیست. هر انسان که چیز از این دنیا ارزش میکند, یک دلداری سبک احتیاج می داد. همه انسان هر چیز از دنیا گم کرد. حداکثر تا زمان فوت کرد ما بفهمیم که احتیاج این دنیا همیشه بیفایده است. عیسی هر مشکل این دنیا پنهان نمیکند. عیسی هم از مرگ فرار نکرد. اما نزدیکتر و نزدیکتر به مرگ می آید. سرانجام هم مرگ را برنده کرد. به این ترتیب عیسی تسلی سبک نداد اما یک تاج حیات به شما خواهد داد.